

یک کارشناس اقتصادی گفت: متأسفانه به دلیل شفاف نبودن گردش مالی و ضعف در پایه های مالیاتی، طبقات فرودست حقوق بگیر جامعه مشمول حیطه مالیاتی می شوند در حالی که بسیاری از اغنیای مالیات بسیار اندکی پرداخت می کنند. شکاف مالیاتی به طور قطع با عدالت اجتماعی که دولت سیزدهم به دنبال پیاده سازی آن است در تضاد قرار دارد، از این رو جلوگیری از این معضل اقتصادی نه تنها عدالت مالیاتی و به دنبال آن عدالت اجتماعی را نیز محقق خواهد کرد. به طور مثال با وجود اینکه مالیات ابرازی صنف طلا و جواهر در سال گذشته اندکی افزایش یافته است، اما بررسی آمار سازمان امور مالیاتی نشان می دهد نزدیک به ۷۰ درصد از واحدهای صنفی فعال در حوزه طلا و جواهر در سال ۱۴۰۱، هنوز هم مالیاتی کمتر از ۱۵ میلیون تومان می پردازند. نگاهی به آمار درآمدهای مالیاتی در ۱۱ ماهه سال گذشته نشان می دهد که طی این مدت، در مجموع بیش از ۷۴ همت از محل مالیات بر درآمد محقق شده است که حدود ۷۰ همت از این میزان را قشر حقوق بگیر و مشاغل پرداخت می کنند و مابقی مربوط به سایر سرفصل ها نظیر «هستغلات» و «هتفرقه» است.

از مجموع ۷۰ هزار میلیارد تومان درآمد مالیاتی مذکور، کارمندان در مجموع نزدیک به ۴۶ هزار میلیارد تومان مالیات پرداخت کرده اند که حدود ۲۰ همت آن، سهم کارمندان بخش عمومی (دولتی و حاکمیتی) و نزدیک به ۲۶ همت سهم کارمندان بخش خصوصی بوده است. مابقی درآمدهای مالیاتی از این محل یعنی حدود ۲۴ هزار میلیارد تومان نیز از بخش مشاغل پرداخت شده است؛ به عبارت دیگر کارمندان نزدیک به ۲ برابر مشاغل دیگر مالیات می پردازند. در همین راستا، «وحید شقاقی شهری» کارشناس اقتصادی، در گفت و گو با تسنیم، با اشاره به نقش مهم مالیات در اقتصادهای دنیای پیشرفته، دولت ها به دلیل اینکه منابع مالی در اختیار خود ندارند، نیازها و وظایف توسعه ای کشور را مبتنی بر مالیات طراحی می کنند، به عبارتی می توان گفت اتکای دولت ها بر مالیات است، بنابراین در تمام کشورها برای اداره دولت و انجام وظایف و مأموریت های توسعه کشور مانند توسعه آموزش، بهداشت و زیرساخت ها از مالیات استفاده می شود.

وی ادامه داد: معمولاً صادرصد بودجه دولت ها با مالیات تأمین می شود حتی دولت ها برای ایجاد کالاهای عمومی رایگان مانند جاده سازی در مناطق دور دست و ارائه خدمات به نیازمندان و تخصیص پارانه های نیز از مالیات استفاده می کنند، اما متأسفانه در اقتصاد ما از دهه ۵۰ یک نظام مالیاتی کاریکتوری ایجاد شده است.

شقاقی شهری در خصوص نظام مالیاتی کشور توضیح داد: در کشور ما دولت ها به دلیل وجود نفت به مالیات به دیده منبع اصلی درآمد و توسعه کشور نگاه نکرده اند و اتکای آنها به درآمدهای سرشار نفتی بوده است، به طوری که در ۵۰ سال گذشته ریزش روند تولید و اصلاح نظام مالیاتی طی نشده است تا نظام مالیاتی در خدمت توسعه و پیشرفت کشور قرار بگیرد.

در حوزه مشاغل نقشه مالیاتی مشخص وجود ندارد

این کارشناس اقتصادی با بیان اینکه دولت ها و مجالس بنا بر شرایط تاریخی و اقتصادی زمانی پایه های مالیاتی را اضافه کردند، تصریح کرد: متأسفانه برخی اوقات این پایه های مالیاتی فاقد برنامه و نقشه مشخص بوده و حتی با تغییر و منطبق نیز همراه نبوده است؛ به همین دلیل در زمان حاضر در حوزه مشاغل و حمایت از تولید نقشه راه مالیاتی نداریم. شقاقی شهری با انتقاد از اینکه دولت ها با ساختن مالیات های نامرئی از این منظر منفی دایمیک که دولت ها مالیات های اخذ شده از مردم را در چه حوزه هایی مصرف می کنند؛ آیا در این خصوص اتلاف منابعی صورت می گیرد یا درآمدهای مالیاتی به صورت پهنه استفاده می شود. همچنین در حوزه مالیات بر مشاغل یک نقشه مالیاتی برای اهرمی بخش مشاغل کشور وجود ندارد و به عبارتی دیگر تصویر روشنی از مشاغل، کارآمدی، بهره وری و اولویت بندی آنها نداریم.

نظام مالیاتی کشور نیازمند تحول نگرشی است این کارشناس اقتصادی با بیان اینکه مالیات صرفاً برای بحث در درآمد دولت ها نیست، گفت: مالیات می تواند ضمن باز توزیع ثروت در اقتصاد کشور، از فعالیت های غیرمولد نیز جلوگیری کند و بر اساس نقشه راه از بخشی از فعالیت های تولیدی و مشاغل ارزشمند نیز حمایت شود که متأسفانه نظام مالیاتی نتوانسته است هیچ کدام از این اهداف را محقق کند؛ بنابراین یکی از حوزه هایی که نیازمند تحول نگرشی است حوزه مالیاتی است.

شقاقی شهری با اشاره به عدم شفافیت گردش مالی در اقتصاد ایران عنوان کرد: در دنیا دو پایه مالیاتی «مالیات بر ثروت» و «مالیات بر مجموع درآمد» وجود دارد که با حکمیت شفافیت گردش مالی، نظام مالیاتی می تواند نقش کارآمدی را ایفا کند؛ اما به دلیل ضعف اطلاعات در اقتصاد ایران و ضعف پایه های مالیاتی در بسیاری از حوزه های کشور قرار مالیاتی دیده می شود.

مقایسه پرداخت مالیات طبقه حقوق بگیر جامعه با ثروتمندان

وی با اشاره به محاسبه مالیات مشاغل ادامه داد: در طول سال باید مجموع درآمد یا ثروت اصناف گوناگون مانند طلا فروشان مشخص باشد تا نظام مالیاتی نیز بر همان اساس مالیات اخذ کند. همچنین نیاز است بر اساس مجموع درآمد کارگر نیز نرخ های مالیاتی متفاوتی تعریف شود و به عبارتی بر اساس مجموع درآمد یا ثروت هر شغل در دامنه مالیاتی دیگر قرار می گیرد؛ اما در کشور ما متأسفانه به دلیل شفاف نبودن گردش مالی و ضعف در پایه های مالیاتی، طبقات فرودست حقوق بگیر جامعه کاملاً مشمول حیطه مالیاتی می شوند در حالی که بسیاری از اغنیای مالیات بسیار اندکی پرداخت می کنند. این کارشناس اقتصادی با اشاره به ناعادلانه بودن نظام مالیاتی کشور تصریح کرد: در کشور ما نظام مالیاتی بیشتر بر بدنه نیازمند و دهک های پایین جامعه استوار است؛ در حالی که در نظام مالیاتی ما عادلانه نیست و شاید نارضایتی های عموم مردم از نظام مالیاتی نیز به همین خاطر باشد؛ بنابراین نیاز است از بسیاری از تولیدات حمایت مالیاتی شود و در برخی از حوزه های دیگر نیز نیاز است رفتار سخت گیرانه مالیاتی پیش گرفته شود؛ اما متأسفانه نظام مالیاتی کشور کارآمد نیست.

در گفت و گو «آرمان ملی» با محمد کشتی آرای، کارشناس بازار طلا و سکه بررسی شد

تحلیل قیمت های جهانی و داخلی

طلا و سکه و آینده بازار

عوامل سیاسی قیمت جهانی طلا را تحت تاثیر قرار می دهد

تاثیر بحران انرژی در قیمت طلا



آرمان ملی: در حوزه داخلی و بازارهای مالی و سرمایه گذاری و به طور خاص در دهه ها و سال های اخیر، بخش قابل توجهی از سرمایه های مردم ایران و بانک های ایرانی، به خرید طلا و سکه اختصاص پیدا کرده است. نمودار قیمتی طلا و سکه نشان می دهد که در درازمدت، قیمت این اقلام صرفاً افزایش پیدا کرده و از نظر اسمی، در درازمدت قیمت ها بر مبنای واحد پول ملی ایران، فقط روند صعودی داشته است. در گفت و گو «آرمان ملی» با محمد کشتی آرای، روندهای قیمتی طلا و سکه در بازارهای جهانی و بازار ایران و همچنین چشم انداز و آینده بازار طلا و سکه بررسی شده است. کشتی آرای، صاحب نظر حوزه های طلا و سکه بوده، در سال های قبل چند دوره رئیس اتحادیه طلا، جواهر و سکه تهران بوده و از سال ۱۳۴۰ شمسی به بعد در بازار طلا، جواهرات و سکه، حضور داشته و دارد.

از سال ۱۳۱۰ شمسی، سکه طلا به طور استاندارد از نظر قطر و وزن آن، در ایران ضرب می شده. در سال ۱۳۵۷ دوره محمدرضا شاه که عملاً آخرین سکه طلا در آن دوره ضرب شده، تاریخ روی این سکه را سال ۱۳۵۸ درج کرده اند. گفته شده به این علت سال ۱۳۵۸ درج شده که وقتی آن را در زمان عید نوروز هدیه می دهند سکه با تاریخ روز و سال ۱۳۵۸ باشد. آیا این سکه های طلا که در سال های قبل از انقلاب، ضرب می شد فقط برای هدیه دادن بوده و به هیچ وجه بحث سرمایه گذاری در حوزه سکه طلا، مطرح نبود؟

این موضوع به نوع تفکر افراد جامعه و فرهنگ عامه مردم برمی گردد. اگر به تاریخ معاصر یعنی ۱۰۰ ساله اخیر مراجعه کنید، می بینید بسیاری از مواقع که خانواده ها به پول احتیاج داشته اند، تنها کلابی که داشته اند و سریع به پول نقد تبدیل شده تا آن را صرف نیازهای فوری خودشان کنند، همین طلا بوده است. نگهداری طلا، فرهنگی بوده که در شرق دنیا از جمله هند، ایران و چین نهادینه شده است. با توجه به مجموعه همه این تفکرات، استفاده از طلا به عنوان سرمایه و زبور آلات، در کشورهای شرقی و اسلامی و مخصوصاً در ایران رایج بوده است. در دوره معاصر، این فرهنگ نسل به نسل منتقل شده تا به دوره ۴۵ ساله اخیر می رسیم که انقلاب شد و شرایط جنگی پیش آمد. وقتی که عراق به ایران حمله کرد و جنگ شد، ارزش پول ایران پایین آمد. قیمت طلا و سکه هم به دلیل بالا رفتن قیمت ارز، سیر صعودی به خودش گرفت. در مجموع، خانواده های مختلف، اقدام به اندوخته کردن طلا می کنند. بر این اساس، این کار جزو فرهنگ عامه مردم ایران است.

در ایران به دلیل شرایط موجود، نوسان قیمت زیاد بوده و ممکن است یک روز قیمت ارز بالا برود و یک روز قیمت طلا و سکه پایین بیاید. بنابراین، یک سرمایه دار در کشور ما بر قیمت طلا و سکه تاثیر دارد.

در حال حاضر، قیمت طلا و سکه در بازار ایران ناشی از عوامل خارجی و داخلی است. بر این اساس، قیمت جهانی اونس طلا و قیمت ارز و عوامل دیگر در تعیین قیمت طلا و سکه در داخل کشور ما نقش دارد...

در همه جای دنیا، همین طور بوده و فقط محدود به ایران نیست. برای مثال، اگر ما بخواهیم قیمت طلا را در عربستان حساب کنیم باید قیمت جهانی طلا را ضربدر ارز این کشور کنیم. در کشورهای دیگر هم، به همین صورت عمل می شود. فرمول قیمت جهانی طلا ضربدر قیمت ارز، در تمام دنیا رایج بوده و در ایران نیز به همین شکل قیمت طلا محاسبه می شود.

با این حال در ایران، نوسانات و دلایل مختلف، تاثیر زیادی بر قیمت طلا و سکه دارند... از این نظر، بله. در ایران، یک عامل ثانویه داریم که نوسانات قیمت ارز است. در ایران به دلیل شرایط موجود، نوسان قیمت زیاد بوده و



وابستگی قیمت طلا به بازار نفت

در سال ۱۹۸۸ و در دهه ۹۰ میلادی قرن گذشته، هر بشکه نفت خام ۱۰ دلار بود. در حالی که الان قیمت هر بشکه نفت به حدود ۷۰ دلار رسیده است. قیمت تمام شده یک اونس طلا، بستگی به هزینه هایی دارد که صرف تولید طلا می شود.

در برخی سال های گذشته، قیمت هر بشکه نفت، حتی به بالای ۱۰۰ دلار هم رفت و بعد از کاهش پیدا کرد. این بالا و پایین رفتن قیمت نفت، در قیمت تمام شده طلا، موثر است. چون یکی از هزینه های تعیین کننده به دست آوردن طلا، انرژی بوده و با انرژی، طلا استخراج می شود. بنابراین، نوسانات طلا، جزئی از همان مسائل اقتصادی و سیاسی است که به آن اشاره شد. هر موقع، بحران انرژی در دنیا پیش می آید، بلافاصله اثر خودش را به طور طبیعی بر قیمت طلا می گذارد. به نظرم نمی آید که قیمت طلا به شدت کاهش پیدا کند. یک دلیل آن، این است که جایگزینی برای نفت پیدا نشده. به نظر نمی آید که قیمت نفت کاهش جدی پیدا کند. دوم اینکه میزان درخواست خرید طلا در بازارهای جهانی، توسط کشورهای مختلف در حال افزایش است. سومین عامل این است که ذخایر طلای دنیا رو به کاهش است.



ممکن است یک روز، قیمت ارز بالا برود و یک روز دیگر، قیمت ارز پایین بیاید. بنابراین، یک عامل ثانویه، در کشور ما بر قیمت طلا و سکه تاثیر دارد ولی در همه کشورها دنیا، با همان فرمول، قیمت طلا را محاسبه می کنند.

قیمت جهانی اونس طلا در سال ۲۰۱۱ میلادی، با جهش بزرگی به حدود ۲ هزار دلار رسید و در سال های اخیر هم، چند بار قیمت طلا به حدود ۲ هزار دلار رسیده یا فراتر از آن رفته است. بنابراین برای سال ۲۰۱۱، چه عاملی را به عنوان علت اصلی رسیدن قیمت اونس طلا به حدود ۲ هزار دلار موثر می دانید؟

تا قبل از سال ۱۹۷۳ میلادی، قانون برتون وودز حاکم بود و در آمریکا تا قبل از سال ۱۹۷۳، هر فردی که ۳۵ دلار به بانک های آمریکایی می داد، می توانست در ازای آن یک اونس طلا دریافت کند. در دهه ۱۹۷۰، قانون برتون وودز توسط رئیس جمهور آمریکا، برداشته شد و قابلیت تبدیل دلار به طلا ممنوع اعلام شد.

اونس طلا تا حدود سال ۱۹۷۷ در ۲۳۰ دلار بود ولی در زمان اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، یک باره قیمت اونس طلا به ۲ هزار دلار رسید. در آن زمان، شوروی به افغانستان حمله کرد و دنیا ملت به ملت شد. بعداً که اوضاع آرام شد قیمت طلا به حالت اولیه برگشت. حدود ۱۵ سال قیمت اونس طلا در محدوده ۲۲۵ دلار باقی ماند. تا سال ۲۰۰۵ میلادی، قیمت اونس جهانی در محدوده ۲۲۰ دلار تا ۲۷۰ دلار بود. از سال ۲۰۰۵ میلادی، با بحران مسکن در آمریکا، سیر صعودی قیمت طلا شروع شد تا اکتبر ۲۰۱۱ میلادی که قیمت اونس طلا به بالای ۱۹۰۰ دلار رسید. از اکتبر ۲۰۱۱، دوباره قیمت طلا سرازیر شد و تا حدود ۱۲۰۰ دلار کاهش پیدا کرد، تا اینکه مجدداً در سال های اخیر، سیر صعودی پیدا کرد و افزایش یافت.

اشغال افغانستان توسط شوروی در دوره جنگ سرد بوده و احتمال وقوع جنگ نظامی بین ابر قدرت های شوروی و آمریکا و وقوع جنگ جهانی سوم وجود داشته است. با این حال، آیا در سال ۲۰۱۱، جناب عالی تصور می کردید که یک دفعه قیمت اونس طلا جهش کند و به ۲ هزار دلار افزایش پیدا کند؟

بحران مسکن آمریکا از سال ۲۰۰۵ شروع شد و عامل دوم، تبدیل درآمد کشورهای نفت خیز به طلا بود. به همین دلیل، افزایش شدید تقاضا در بازارهای جهانی برای خرید طلا وجود آمد. این نوع تقاضا در آن زمان، برای خرید طلا ایجاد شد. از طرف دیگر، خیلی از کشورهای اروپایی تا قبل از سال ۲۰۰۵، اعتقادی به پشتوانه بودن طلا نداشتند و می گفتند ما تکنولوژی و امکانات زیادی داریم که آنها پشتوانه کشورمان هستند.

با بحران مسکن آمریکا، کشورهای اروپایی دیدند که آن دیدگاه نمی تواند کارساز باشد. به همین خاطر، این کشورها شروع به خرید طلا به عنوان ذخیره پول خودشان کردند. در نتیجه، این کشورها شروع به انباشت طلا کردند و این وضع، تقاضای شدید خرید طلا به وجود آورد و باعث شد قیمت طلا بالا برود.

از سال ۲۰۱۱ به بعد قیمت طلا از محدوده ۲ هزار دلار پایین آمد و حتی قیمت اونس طلا به ۱۰۵۰ دلار در سال ۲۰۱۵ میلادی (۱۳۹۴) کاهش پیدا کرد. یک بار دیگر قیمت اونس طلا در سال ۲۰۲۰ میلادی (۱۳۹۸) به محدوده ۲ هزار دلار رسید و تا ۲ هزار و ۶۳۰ دلار بالا رفت. آیا صرفاً شیوع ویروس کرونا و مسائل مرتبط با آن، در جهش قیمت جهانی طلا نقش داشت؟

صرفاً مسائل مربوط به کرونا در این زمینه تاثیرگذار نبود. در این زمینه، مسائل مربوط به چین و آمریکا را نمی توانیم نادیده بگیریم. در آن زمان، این دو کشور مجادله های زیادی در مورد مسائل اقتصادی داشتند. جنگ های لفظی چین و آمریکا در مورد مسائل اقتصادی، باعث شد مجدداً یک تقاضا برای خرید طلا در بازارهای جهانی به وجود بیاید. عوامل متعددی در این زمینه نقش دارند و بیش از عوامل اقتصادی، مسائل سیاسی می توانند قیمت جهانی طلا را تحت تاثیر قرار دهند.

در حوزه بازار داخلی، در چند دهه اخیر افزایش خیره کننده طلا و سکه اتفاق افتاده است. در دوره بعد از انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی، اولین بار سکه طلای جدید با عنوان سکه بهار آزادی در سال ۱۳۵۸ ضرب و تولید شده. به مرور زمان، قیمت سکه افزایش پیدا کرده است.

در سال ۱۳۷۰ سکه طلای جدیدتری به اسم سکه امامی ضرب شده و قیمت آن ۱۲ هزار تومان بوده است. در حال حاضر، سکه طلا با یک مقدار کاهش به ۲۹ میلیون تومان در تیر ۱۴۰۲ رسیده است. این افزایش قیمت سکه، به خاطر دو عامل قیمت جهانی طلا و قیمت دلار است. چرا که در یک زمان، نرخ دلار ۱۰ تومان بود و الان دلار بازار آزاد به حدود ۵۰ هزار تومان رسیده. از طرفی، قیمت جهانی طلا حدود ۱۰ برابر نسبت به سال های قبل افزایش پیدا کرده است.

در وضعیت فعلی که قیمت سکه کامل حدود ۲۹ میلیون است، حساب قیمت ۶ میلیون تومان بوده و ۲۱ درصد حساب وجود دارد. همچنین نیم سکه با قیمت ۱۵ میلیون تومان فروخته می شود که ۴ میلیون حساب دارد و حدود ۲۷ درصد حساب می شود. از طرف دیگر، ربع سکه ۱۰ میلیون و ۶۸۰ هزار تومان است که حدود ۵ میلیون تومان حساب دارد که حدود ۴۷ درصد حساب قیمتی وجود دارد. خریداران چگونه ریسک می کنند و سکه های مختلف را با این مقدار حساب می خردند و آیا وقتی ربع سکه را با ۴۷ درصد حساب و بالاتر از ارزش واقعی آن می خردند، نباید احساس خطر کنند؟ سکه طلا در زمان های مختلف حساب داشته و فقط نسبت آن فرق می کند. تجربه می گوید همیشه حساب قیمتی در مورد سکه وجود دارد. چون مردم این تجربه را دارند که سکه در سال های گذشته حساب داشته و امسال هم حساب دارد، فکر می کنند در سال های آینده هم، حساب خواهد داشت.

با توجه به اینکه ممکن است کاهش شدید نرخ دلار بازار آزاد اتفاق نیفتد و از طرفی، تورم بالایی در کشور ما وجود دارد، آیا جناب عالی تصور می کنید قیمت های فعلی طلا و سکه سقوط نمی کنند؟

من بعید می دانم در کوتاه مدت کاهش شدیدی قیمت اتفاق بیفتد. در کوتاه مدت، قیمت ها در همین سطح فعلی باقی می ماند.